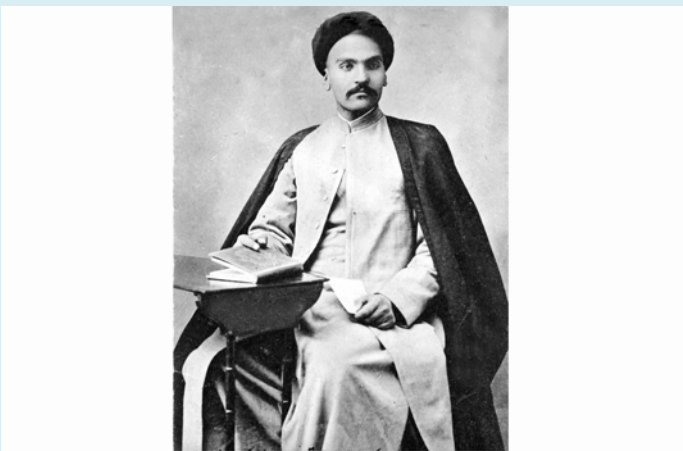


مشروطه خواهی آیت الله حاج آقا نورالله به روایت علامه محمدباقر الفت

«یگانه علمدار و نخستین علمدارش در اصفهان بلکه در همه ایران در مشروطیت همو بود که در این راه از بذل همت و اقدام خستگی ناپذیرش دقیقه ای آرام نگرفت و فروگذار ننمود. مدت زیاده بر بیست سال پایان عمرش جمیعاً در کشاکش انقلابات و حوادث اجتماعی و سیاسی ایران گذشت. و جان خود را نیز بر سر همین کارها گذاشت. و در اوایل انقلاب مشروطیت نفوذ و اقتدارش در نواحی اصفهان به حد اعلا رسید و (شاه نورالله) خوانده شد. و تا اوان حدوث جنگ عمومی دنیا مداوم فراز و نشیبهای وادی دیانت و ریاست را می پیمود و با حوادث گوناگون دست به گریبان بود. در سال ۱۳۲۸ قمری، حزب (دمکرات) در اصفهان قوت گرفت و مشروطه خواهان افراطی که در تهران سید عبدالله بهبهانی را کشته و با نفوذ کلمه روحانی مسلکان عموماً مخالفت آغاز کردند، اقتدار و زمامداری او را نسبت به امور جمهور مخالف با مقاصد و مرامهای افراطی خود شناخته به مخالفتش برخاستند؛ بلکه قصد جانش کرده به هلاکتش کمر بستند. بنابراین خود را در معرض خطر یافت و به قول خودش (خائفاً یترقب) از اصفهان رفته به عراق هجرت و زیاده بر سه سال در کربلا اقامت نمود. تا پایان سال ۱۳۳۲ قمری که از طرفی نفوذ احزاب افراطی نقصان یافته، زمام امور اصفهان (خاصه اصفهان) به دست احزاب (اعتدال) و امثال آن افتاده بلکه به حقیقت بختیارها یگانه متصرف و متنفذ در امور گردیده بودند، و از طرف دیگر هم یگانه پشت و پناه مردم اصفهان و خانواده مسجد شاهیان (آقاجفی) وفات یافته، عموم طبقات ملت وجود او را برای طرفداری از خود و جلوگیری از استبداد لازم می شمردند. در این وقت که برای مراجعتش به ایران مانع مفقود و مقتضی موجود شده بود، به اصفهان بازگشت. و دیگر باره بر تخت عزت و اقتدار دیرین خود نشست.»

پانوش:

۱. نقل از یادداشت‌های خطی مرحوم محمدباقر الفت اصفهانی.



سید حسن تقی زاده نماینده دوره اول مجلس شورای ملی با لباس روحانیت



چهار تن از مشروطه خواهان مسلح